

جایزه بهترین بازیگر کن

در دست شهاب حسینی

اصغر فرهادی، جایزه بهترین فیلمنامه را گرفت



در میان انتخاب‌شده‌های جایزه فیلم کن نام ۲ ایرانی برجسته‌است که شهاب حسینی و اصغر فرهادی، بازیگر و کارگردان فیلم «فروشنده» هستند که در میان رقیبای جشنواره شصت‌ونهم کن ۲۰۱۶ به عنوان بهترین بازیگر مرد و بهترین فیلم‌نامه‌نویس شناخته شدند. انتخاب این افراد موجی از تحسین‌ها را میان رسانه‌های داخلی و در صفحات شخصی هنرمندان به همراه داشت و هنرمندانی چون پرویز پرستویی با نوشتن یادداشتی کوتاه کسب جوایز فوق را به آنها و سینمای ایران تبریک گفتند.گفتنی است، نخل طلای کن به بهترین فیلم بلند و کوتاه اختصاص می‌یابد که در این دوره کن لوچ به عنوان سازنده فیلم «من دنیل بلیک» به عنوان بهترین فیلم بلند و خوانجو خیمنز اسپانیایی برای فیلم «تایم کد» نخل طلا گرفتند و نشان نخل طلای بهترین بازیگر مرد برای شهاب حسینی به ازمنان آمد و همچنین جایزه بهترین فیلمنامه به اصغر فرهادی رسید.

■ ■ ■

امیر خانی‌رمان «معمارانه» می‌نویسد

رضا امیرخانی از تالیف رمان تازه‌ای با موضوع شهرها خبر داد که تا سال آینده به انتشار می‌رسد. رضا امیرخانی در گفت‌وگو با مهر از تالیف رمان تازه‌ای خبر داد و گفت: فضای این رمان به موضوع توسعه شهری مرتبط می‌شود و اسم آن هم «رمن» است. امیرخانی ادامه داد: این اثر یک رمان معمارانه است و در آن بیشتر دارم سراغ واکاوی این مساله می‌روم که چه اتفاقی برای شهر در حال رخ دادن است. نویسنده رمان «عیدار» افزود: به نظر در دنیا شهرهای بزرگ الگوهای توسعه متفاوتی دارند. از توسعه شهرهای بزرگ معمولا به عنوان عبرت بزرگ یا عبرت منفی یاد می‌کنند. مثلا در آمریکا مانند لس آنجلس توسعه بزرگی داشته اما همه آن را شهرزاد دست‌رفته معرفی می‌کنند. همه شهردارهای آمریکا هم می‌دانند که نباید شهرشان مانند لس آنجلس شود. در ایران مساله برعکس است. شهری مثل تهران تا این اندازه که می‌بینیم بزرگ می‌شود، آلودگی هوا پیدا می‌کند و از طرف دیگر همه شهرهای دیگر کشور هم سعی دارند مثل تهران شوند. امیرخانی افزود: من برای تهران راه‌حلی ندارم اما می‌فکر کنم که مشهد، شیراز و اصفهان نباید مثل تهران می‌شدند که شدند و می‌دانم شهری مثل کاشان نباید قطعا مثل تهران شود و در حال تبدیل شدن است.

■ ■ ■

کارگردان «شاهزاده روم»

«فیلساه» را می‌سازد

به گفته کارگردان «فیلساه»، یک نسخه از این انیمیشن در سی‌وپنجمین جشنواره فیلم فجر نمایش داده می‌شود. هادی محمدیان، کارگردان انیمیشن درباره جدیدترین پروژه خود که بتازگی پروانه ساخت آن صادر شده است، گفت: پروژه «فیلساه» به تهیه‌کنندگی حامد جعفری و با همراهی تیم «هنرپویا» ساخته می‌شود و فیلم‌نامه این پروژه به صورت مشترک توسط من و محمداقفر مفیدی کیا نوشته شده است. وی با اشاره به اینکه در تلاش است با توجه به تجربه‌ای که از «شاهزاده روم» به دست آمده «فیلساه» را پیش ببرد، گفت: «فیلساه» داستان یک بچه فیل در آفریقااست که از زمان تولدش و با توجه به اینکه پدرش رئیس گله‌است، همه انتظار دارند او نیز زوری مانند پدرش رئیس گله شود اما این فیل کوچولو بسیار بی‌دست و پا است و به همین دلیل اتفاقات طنزی برای او رخ می‌دهد.

■ ■ ■

تقدیر رهبر انقلاب

از سازندگان نماهنگ «ارغوان»

رهبر حکیم انقلاب چندی پیش و در پی پخش نماهنگ «ارغوان» از شبکه‌های مختلف تلویزیونی ضمن تحسین سازندگان این اثر پیام تشکر و ابراز فرمودند. به گزارش فارس، پیام تشکر حضرت آیت‌الله‌عظمی خامنه‌ای از سازندگان و تهیه‌کنندگان این اثر روز گذشته از سوی یکی از مسؤولان دفتر معظم‌له به مدیر یکی از شبکه‌های تلویزیونی اعلام شد. نماهنگ «ارغوان» جزو جدیدترین محصولات خانه موسیقی و سرود سپنج است که درباره شهدای مدافع حرم و فرزندان آنهاست. در این نماهنگ فرزندی یکی از شهدای حرم در نقش فرزند شهید بازی کرده است و سایر عوامل تهیه این نماهنگ عبارتند از: نویسنده و کارگردان: مهدیار عقایی، موسیقی: گروه نسیم قدر، شاعر و سرپرست گروه: سیدضیا محسنی، آهنگساز: محسن ناچی، تنظیم موسیقی: امید روشن‌بین، تصویربردار: یحیی رضایی و مدیر تولید: علی شمس. تهیه‌کننده نماهنگ ارغوان امیر پوروزیری است.

گفت‌وگوی «وطن امروز» با عباس غزالی، بازیگر سینما و تلویزیون

از شهدا کسب اجازه کردم

مخاطب در کنار کمدی به فکر هم نیاز دارد



«دلبری» اثر متفاوتی است و تک‌لوکیشن بودن، روایت متفاوت اثر، عدم نمایش و پخش تصویر و صدای کاراکتر اصلی فیلم از جمله نکات خاص فیلم است. میثم شخصیتی است که سال‌ها قطع نخاع بوده و در گوشه‌ای از خانه افتاده است و همه امور زندگی به عهده همسرش، طوبی است که برایش عکس‌العمل‌های میثم مهم است، مثلا اگر ۲ پلک بزند یعنی چه و می‌خواهد بفهمد که ۴ بار پلک زدنش چه معنایی دارد. این نوع ارتباط همسر برای همه کردن مخاطب و نیز بازیگر بسیار شیرین بود.البته احساس کردم این خاص بودن اثر می‌تواند همراه با خطراتی هم باشد و با آقای اشکذری این مساله را هنگام پیش تولید فیلم در میان گذاشتم، چرا که در فیلم «دلبری» به دلیل عدم نمایش شخصیت اصلی، تنها با همسرش مواجه می‌شویم که به تنهایی متکلم وحده می‌شود.

■ **در واقع میثم باید از طریق طوبی شناسانده شود.**
بله! اینهای از او است. من با آقای اشکذری خطر پایین آمدن ریتم فیلم و خستگی تماشاگر را مطرح کردم و خوشبختانه ایشان تمهیدات خوبی این فیلم خیلی برایم مقدس و شریف است. امیدوارم توانسته باشم حق مطلب را تا حدی ادا کنم و مردم با این نوع نگاه قابل ستایش بروند و فیلم «دلبری» را تماشا کنند. به طور حتم با تماشای فیلم، دلشان خواهد لرزید و با چشمان اشک‌آلود سالن را ترک خواهند کرد.

■ **چه مقدار از فیلمنامه اولیه در اجرا دچار تغییرات شد و شما به عنوان بازیگر، پیشنهادی هم داشتید؟**
فیلمنامه اولیه همین بوده است که من به دادم و شد و هنگامی که آن را خواندم بسیار لذت بردم و دیدم که کار خاصی است. من با کسب اجازه از شما بازی در فیلم را آغاز کردم و به یاد دارم روزی که قرار بود قرارداد کار را امضا کنم، سر مزار برادر شهید یکی از دوستانم رفتم و با کسب اجازه و ارات نسبت به ایشان و همه شهدا کارم را در فیلم «دلبری» آغاز کردم. این مساله برایم مهم بود که این اثر مورد رضایت شهدا و خانواده‌های آنها قرار بگیرد، چرا که کار برای آنها و درباره آنهاست و نیاز به باری آنها دارم تا خدای ناکرده امکان کم کاری وجود نداشته باشد و اتفاقی نیفتد که شرمنده شهدا و خانواده‌های‌شان شوم. حالا نمی‌دانم نتیجه کارم چه شده است؟! اما من همه انرژی و توانم را برای بازی گذاشتم تا اتفاق تاثیر گذاری برای مخاطب شکل بگیرد. به عوامل فیلم و آقای اشکذری هم گفتیم که با تمام وجود ماوند آثار دیگرم در خدمت فیلم خواهم بود اما قطعا این حضور با همیشه فرق دارد، انرژی مضاعفی داشتم و از کارگردان خواستم که مرا هدایت کند. در حین کار تغییراتی جزئی نسبت به فیلمنامه اولیه ایجاد شد که اثر را زیباتر کرد. مثلا در سکانس راه‌پله خانه میثم و هنگامی که پایم به گلدان خورده و در حال جمع کردن خاک آن بودم، منولوگ و درددلی با پدر شهیدم انجام دادم که خاله طوبی می‌شنید و آن دیالوگ مهم را گفت. این بخش بعدا به کار اضافه شد و من آن را دوست داشتم. اصولا بازیگر باید نقش و دیالوگی را که در اختیار دارد با تعامل با کارگردان از آن خود کند و در قالب کاراکتری که در اختیار دارد، نقش را برای بیننده ملموس کند. من هم تمام تلاشم را کردم به بهترین شکل این نقش مهم را ایفا کنم.

■ **فیلم «دلبری» فرم روایت متفاوتی نسبت به غالب آثار سینمایی ایران دارد. چقدر خاص بودن نگاه، موضوع و نقش برای تان مهم بود؟**

حقیقتا در این چند ساله کمتر فیلم‌نامه‌ای دستم رسیده که مینا و مساله‌اش دربره جانبازان و شهدا بوده باشد. از این رو با توجه به اینکه چنین موضوعی کمتر به من پیشنهاد شده بود، برایم خیلی مهم بود و علاوه بر این مساله مهم، نوع روایت و فرم متفاوت «دلبری» برایم جالب بود. فیلم «دلبری» اثر متفاوتی است و تک‌لوکیشن بودن، روایت متفاوت اثر، عدم نمایش و پخش تصویر و صدای کاراکتر اصلی فیلم از جمله نکات خاص فیلم است

خود جای دهد و تماشاگر ما بتواند با آثار مختلف همراهی کند و فیلم متفاوت «دلبری» هم مورد توجه دوستان قرار بگیرد. من نمی‌خواهم فروش برخی فیلم‌ها را مورد نقد درهم اما برایم علامت سوالی است که چرا باید برخی آثار چنان فروشی داشته باشند و برخی آثار بارزش دارای کمترین میزان فروش باشند!

■ **فروش فیلم‌های کمدی سفیخ را خطری برای سینمای ایران و مخاطبش می‌دانید؟**

به نظرم همچنان مسائل اعتقادی نزد مردم وجود دارد و امیدوارم که توجه مردم نسبت به آثار ارزشی بیشتر شود. البته سینما نیاز به ژانرهای مختلف هم دارد. اما من اگر بلند به سوال شما فکر کنم، حقیقتا حالا نمی‌توانم پاسخی برای علاقه مردم به آثار کمدی پیدا کنم. به طور حتم مخاطب در کنار خنده نیاز به تامل و تفکر هم دارد و نیاز است به آدم‌هایی فکر کنیم که جنگیندند و هنوز در آسایشگاه‌های جانبازان زندگی می‌کنند. آنها به خاطر ما رفتند و برخی‌های‌شان شهید شدند و برخی با بالی شکسته مدت‌هاست تنها در آسایشگاه به سر می‌برند. من خیلی معرفت به خرج بدهم در نهایت همراه چند همکار ماهی یک بار به آسایشگاه آنها سر می‌زنم، اما آیا این مقدار توجه کافی است؟ به نظرم باید

سعید نعمت‌الله بود و چند تله‌فیلم دیگری هم که بازی کرده بودم ایشان نوشته بود و با شناختی که نسبت به من داشت مرا به حمید نعمت‌الله معرفی کرد و ایشان چند کار مرا دیده بود و برای سریال «وضعیت سفید» انتخاب کرد. این مساله را تا به حال جایی نگفتم و نخستین بار به شما می‌گویم که در اواسط کار هنگامی که نقش من کاملا جا افتاده بود، آقای حمید نعمت‌الله، من و آقای مقدم‌دوست را به کناری کشید و مثلی ۳ نفره تشکیل داد و نزد من اعترافی کرد که در زمان پیش تولید سریال با وجودی که انتخاب آقای نعمت‌الله بودم، آقای مقدم‌دوست مخالفت می‌کرد و بازیگر دیگری را پیشنهاد می‌کرد. آقای نعمت‌الله آنجا از هادی مقدم‌دوست پرسید نظرش درباره بازی من تغییر کرده یا نه؟ و آقای مقدم‌دوست گفت من دیگر در این مساله کم آوردم و اشتباه کرده بودم!

■ **به نظر تان مهم‌ترین برگ برنده سریال «وضعیت سفید» که آن را میسان آثار تکراری تلویزیون برجسته کرد، چه بوده است؟**

سریال «وضعیت سفید» برگ‌ی از زندگی ما بود که برای همگان ملموس است و ما هم آن خاطره‌ها را برای مردم ورق زدیم و همه چیز از لباس، فضاسازی‌ها، آکسسوار و داستان برای مردم حس نوستالژی داشت. انگار همانند این کاراکترها در خانه‌های مردم در دهه‌های گذشته وجود داشت و بارها مردم به من گفتند مثلا کاراکتر بهروز مانند دایی ما بوده است! یا خواهر احترام مانند عمه ما است. گروه تلاش بسیاری داشت و یک سال و ۷ ماه فیلمبرداری به سختی اما شیرین انجام شد و در نهایت همه رنگ‌ها و کاراکترها در جای خودش قرار گرفت و همه اتفاقات در وجود تماشاگر نشست. سریال ویژه‌ای بود و حقیقتا برای آن روزهای کاری دلم تنگ شده است.

■ **خیلی‌ها می‌دانند که شما در سریال حضرت یوسف نقش یکی از برادران حضرت یوسف را بازی کردید که او را به چاه افکندند!**

بله (با خنده). در سریال «یوسف(ع)» جزو یکی از برادران یوسف بودم که او را به چاه انداختند. در ۱۱ قسمت اول آن سریال همراه با یوسف در نقش یکی از برادران نوجوانش بازی می‌کردم و به دلیل سن کم من و گرمی خاص آن دوران خیلی‌ها مرا نمی‌شناختند و برخی هم با اطلاع از این مساله تعجب می‌کنند که من در این سریال هم بازی کردم.

■ **از این سریال و همکاری با فرج‌الله سلحشور چه خاطره‌ای برای تان باقی مانده است؟**

خدا رحمتشان کند. البته آن زمان دستیاران ایشان انتخاب بازیگران فرعی را انجام می‌دادند و من جزو آخرین بازیگرانی بودم که به عنوان یکی از برادران یوسف انتخاب شدم. مساله مهم برایم این بود که همه افراد درگیر با پروژه از عوامل پشت صحنه تا بازیگران و حتی آقای سلحشور یک نوع غذا می‌خوردم و این شرایط در آن کار برای من نوجوان خیلی ویژه بود و تاثیر آن دوران در وجودم مانده است.

■ **سریال «مادرانه» را هم با آقای جواد افشار داشتید. بله! سعادت شد و این سریال در ماه مبارک رمضان از تلویزیون پخش شد و کاراکتر فرزاد که من بازی می‌کردم مورد توجه قرار گرفت.**

■ **در سریال «کیمیا» اما حضور نداشتید!**
آقای افشار پیشنهاد داده بودند اما متأسفانه قسمت نشد در سریال «کیمیا» بازی کنم، چون درگیر کارهای سینمایی بودم.

■ **احتمالا بعد از موفقیت سریال «وضعیت سفید» پیشنهادات بسیاری داشتید. چگونه از میان آنها گزینش کردید؟**

خیلی پیشنهاد شد. اما من دوست دارم همیشه با انتخاب‌هایم رو به جلو حرکت کنم و از این بابت عجله‌ای برای بازی کردن نداشته‌م و سعی کردم با دقت به پیشنهادات فکر کنم و هدفی داشته باشم که در آن مسیر بتوانم پیشرفت کنم. یکی از مهم‌ترین ملاک‌هایم هم مخاطب بود، چراکه اعتقاد دارم هنرمندی که مردمش را نبیند اصلا هنرمند نیست و ما باید از اعتباری که نزد مردم داریم مراقبت کنیم و در هر اثری حضور نداشته باشیم. همیشه این جزو ملاک‌های اصلی‌ام برای انتخاب نقش بوده و برای همین وسوساوس زیادی در انتخاب نقش‌ها دارم و تا حالا هم سعی کرده‌ام به این مساله پایبند باشم.البته همیشه به بازیگران پیشکسوت به عنوان یک الگو نگاه می‌کنم که از جمله آقای پرویز پرستویی است که پرونده کاری درخشانی دارند و من از نقش‌های مختلفی که ایشان به عهده داشتند لذت می‌برم.

■ **آخرین بازی تان در فیلم تجریمی «قیچی» بوده است که در جشنواره فجر سال گذشته نمایش داده شد و البته شباهت‌های موضوعی به فیلم «دورافتاده» و رابر ترمکس دارد!**
فیلم «قیچی» برایم بشدت دوست داشتنی است و با وجود سختی کار بسیار لذت‌بخش بود و نوع دیگری از بازیگری را در این فیلم تجربه کردم که به نظر من یکی از بهترین بازی‌هایم در این فیلم بوده است که امیدوارم خوب دیده شود.

جایزه بزرگ هیأت داوران کن

۲۰۱۶ به یک همجنس‌گرا رسید!



گروه فرهنگ و هنر: در میان لیست برندگان شصت‌ونهمین دوره جشنواره فیلم کن ۲۰۱۶ یک نام بسیار برجسته بوده؛ هرچند گمنام و ناشناس برای اهالی رسانه! «زاویه دولان»، فیلمساز کانادایی‌الصل سینما که تنها ۲۷ سال سن دارد باز هم جایزهای دیگر را از دست هیات‌داوران جشنواره کن به دست آورد؛ جایزه بزرگ هیات داوران که پس از جایزه نخل طلای بهترین فیلم، به عنوان مهم‌ترین و موثرترین جایزه در جشنواره قدیمی کن شناخته شده و در واقع نمایانگر سیاست‌های برگزار کنندگان جشنواره است. اما زاویه دولان کیست؟ این بازیگر و کارگردان که به طور رسمی خود را همجنسگرا خوانده و با وجود کسب جوایز بسیار هنوز در ایران شناخته شده نیست، در واقع جزو کشفهای جشنواره کن محسوب می‌شود که

در سنی کم در سال ۲۰۰۹ با دریافت ۳ جایزه از بخش «۲ هفته کارگردانان» جشنواره کن برای فیلم «هن مادرم را کشتیم» نامش در میان منتقدان جهانی بر سر زبان‌ها افتاد. توجه کن به این فیلم و حضور جهانی‌اش در فستیوال‌های آن سال که در نهایت منجر به انتخاب فیلمش به عنوان نماینده سینمای کلسادا در جایزه اسکار شد، باعث شد تا آثار دیگر این فیلمساز هم با عنوان جعلی اثر هنری در جشنواره‌های جهانی آوازه یابد. «تپش‌های قلب»، «به هر حال لارنس»، «تام در مزرعه» و «امان» آثار دیگر زاویه دولان بودند که همگی بر پایه زندگی، مشکلات و نگاه‌های همجنسگرایان ساخته شده و مورد تحسین هم قرار گرفتند؛ چنانکه از همان نخستین فیلم که با تشویق چنددقیقه‌ای حضاران در سالن نمایش جشنواره کن همراه بسود تا فیلم «امان» که جایزه بزرگ هیات داوران کن شصت‌وهفتم در سال ۲۰۱۴ را کسب کرد، آثار نه چندان قابل ارزش به لحاظ سینمایی اما پرمیاهو به لحاظ رسانه‌ای دولان بودند که با حمایت جشنواره‌های الف جهانی از جمله کن به جهانبان شناسانده شدند و در همین مسیر زاویه دولان جوان به عنوان داور جشنواره‌های معتبر از جمله کن هم انتخاب شد

تا جزو هیات تصمیم‌گیر جشنواره‌ای با رویکرد مشخص غیرهنری باشد! دولان پس از حضور در هیات داوران بخش اصلی کن سال گذشته، آخرین ساخته خود را به جشنواره شصت‌ونهم کن فرستاد که بدون وجود هیچ‌گونه نقد مثبت میان منتقدان سرشناس، عنوان جایزه بزرگ داوران را به دست آورد. در واقع فیلم «این فقط پایان دنیا است» محصول مشترک فرانسه و کانادا که با اقتباس از نمایشنامه نوشته شده توسط ژان لوک لاکارنس ساخته شده است، در فهرست داوران نشریه اسکرین که متشکل از منتقدان بین‌المللی است، نمره ۱/۳ را کسب کرد. به نظر می‌رسد بعد از فاش شدن ماهیت جدید جشنواره کن که حمایت از فیلم‌های دگرباشانه است، حالا هیات داوران جشنواره کن جهت دور شدن از حواشی انتخاب مستقیم فیلم و فیلمسازی با ماهیتی سوال‌برانگیز خواسته‌اند به جای جایزه اصلی نخل طلایی تنها به دادن جایزه هیات داوران اکتفا کنند؛ جایزهای که در لایه‌های زیرین خود پیام اصلی این رویداد سالانه را منعکس می‌کند!

■ ■ ■

موضع ارشاد درباره گالری‌های

خصوصی

سختگویی وزارت ارشاد گفت: گالری‌ها اگر اصول اخلاقی را رعایت نکنند جمع‌آوری می‌شوند. به گزارش فارس، نوش‌آبادی در پاسخ به این سوال که در چند ماه اخیر شاهد برپایی گالری‌هایی با مضامین غیر اخلاقی درباره پدر، زنان ایرانی، موضوع حجاب و سبک زندگی هستیم و هیچ نظارت و کنترلی از سوی معاونت هنری انجام نمی‌شود، چه توضیحی دارید؟ گفت: در سطح کشور شاهد فعالیت بسیاری از گالری‌ها هستیم که بسیاری از آنها خصوصی است و طراحی آن دست ارشاد نیست و دولت متولی آنها نیست. برپایی برخی گالری‌ها محتوای اجرا و نظارت دست ماست اما در گالری‌های خصوصی صرفا از ما مجوز برپایی می‌گیرند. محتوای دست موسسه خصوصی و مجموعه‌ای است که کار غیردولتی می‌کند، ما با حفظ نظارت تصمیمی درباره محتوای آنها و اینکه چه آثاری عرضه نشود نمی‌توانیم داشته باشیم اما اگر در ارزیابی‌ها به این نتیجه برسیم که مغایر با ارزش‌هاست و اصول اخلاقی را رعایت نمی‌کنند نسبت به جمع‌آوری با عدم مجوز برای برپایی دوباره آن اقدام می‌کنیم اما اغلب گالری‌ها خصوصی هستند و ما نظارت را برعهده داریم.